



دانشگاه مازندران

دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

موضوع:

محدودیت‌های حقوق خصوصی اتباع بیگانه در حقوق ایران

اساتید راهنما:

دکتر همایون مافی

دکتر فخرالدین اصغری آقمشهدی

نام دانشجو:

خدیجه جعفری لاهیجانی

شهریورماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاسگزاری

رسول خدا «ص» فرمودند:

« مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا »

به رسم ادب بر خود واجب می‌دانم از تمامی اساتید گروه حقوق دانشگاه مازندران که هفت سال هدایت بخشی از زندگی‌ام را به عهده داشته‌اند تشکر و قدردانی کنم. همچنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر همایون مافی و دکتر فخرالدین اصغری که زحمت هدایت این پایان‌نامه را به عهده داشتند کمال قدردانی و تشکر را به عمل می‌آورم. بدیهی است که پایان‌نامه‌ی حاضر حاصل زحمات و تلاش تمامی این عزیزان در هفت سال دوران تحصیلات من در دانشگاه بوده است. از آنجا که انسان ممکن‌الخطاست و نگارنده‌ی این پایان‌نامه نیز عاری از این نقص نیست مسلم است که این پایان‌نامه هم عاری از اشکال نبوده اما نواقص احتمالی نه تنها به اساتید محترم منتسب نیست بلکه به سطح دانش و تلاش و احتمالاً سهل‌انگاری راقم آن باز می‌گردد.

تقدیم به:

ساحت یگانه منجی عالم بشریت، حضرت صاحب الزمان «عج»

تقدیم به:

زیباترین نقش‌های عالم هستی، پدر و مادر که همواره در سایه‌ی دعا‌های ایشان بوده‌ام.

تقدیم به:

همسرم بخاطر تمام مهربانی‌هایش

چکیده

ورود بیگانگان به یک کشور به هر دلیلی که صورت پذیرد آثار و پیامدهایی را به لحاظ سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و حتی به لحاظ جغرافیایی و ریخت‌شناسی جمعیت به دنبال دارد. خصوصاً چنانچه قبول آن‌ها بدون توجه به امکانات و نیازهای جامعه صورت پذیرد، اثرات سوء ناشی از حضور این افراد بر عوامل حیاتی کشور به مراتب بیشتر خواهد بود. همین امر باعث می‌شود که دولت و در مقام بالاتر قانونگذار به منظور جلوگیری از این پیامدهای منفی، با توجه به مصالح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و منافع اتباع خودی محدودیت‌هایی را نسبت به حقوق اتباع بیگانه اعمال نمایند.

در این تحقیق برآنیم تا تبعات ورود افراد بیگانه به ایران و محدودیت‌های آنان را به لحاظ حقوقی در حوزه‌ی حقوق خصوصی مورد بررسی قرار دهیم و هدف از این بررسی شناسایی ابزارهای قانونی و حقوقی مناسب در تنظیم هرچه بهتر و دقیق‌تر روابط حقوقی با بیگانگان است تا بدین وسیله به جایگاهی که شایسته‌ی تاریخ، تمدن و فرهنگ و موقعیت سیاسی-اقتصادی کشور عزیزمان ایران در صحنه‌های بین‌المللی است، دست یابیم.

همچنین بررسی محدودیت‌های حقوق خصوصی بیگانگان این فایده را برای اتباع کشورهای مختلف دربردارد که قبل از ورود به ایران رابطه خود را با نظام حقوقی کشور مقصد تبیین نماید تا دچار بلا تکلیفی نگردند یا حتی از حقوق آن‌ها ضایع نشود و در نهایت برای ورود به کشور خود را مہیای تطبیق با مقررات آن سازند.

واژه‌های کلیدی:

حقوق خصوصی، اشخاص حقیقی بیگانه، اشخاص حقوقی بیگانه، حقوق مالی، حقوق غیرمالی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۶	فصل اول: کلیات
۶	مبحث اول- تاریخچه.....
۱۲	مبحث دوم - تعریف بیگانه.....
۱۲	گفتار اول- تعریف شخص حقیقی بیگانه.....
۱۴	گفتار دوم - تعریف شخص حقوقی بیگانه.....
۱۵	مبحث سوم - انواع بیگانه.....
۱۵	گفتار اول - انواع شخص حقیقی بیگانه.....
۱۹	گفتار دوم - انواع شخص حقوقی بیگانه.....
۲۰	مبحث سوم- تعریف وضع حقوقی بیگانگان.....
۲۲	فصل دوم: عوامل مؤثر در ایجاد محدودیت نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان
۲۳	مبحث اول - عوامل اصلی مؤثر در ایجاد محدودیت نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان.....
۲۳	گفتار اول - حق حاکمیت.....
۲۷	گفتار دوم - نظم عمومی.....
۲۸	الف - نظم عمومی در حقوق داخلی.....
۲۸	ب- نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی.....
۳۳	گفتار سوم - رفتار متقابل.....
۳۴	بند اول - رفتار متقابل از لحاظ منشأ حق.....
۳۴	بند دوم - رفتار متقابل از لحاظ شرط وجود یک حق.....
۳۵	الف - رفتار متقابل سیاسی.....
۳۵	ب - رفتار متقابل قانونی.....
۳۶	ج- رفتار متقابل عملی.....
۳۷	گفتار چهارم - اراده‌ی قانونگذار.....
۳۸	بند اول - اهلیت برای معامله و تبدیل تابعیت.....
۳۸	بند دوم - اهلیت برای معامله.....
۴۵	مبحث دوم - عوامل فرعی مؤثر در ایجاد محدودیت نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان.....

۴۷ گفتار اول - عوامل امنیتی
۴۹ گفتار دوم - عوامل اقتصادی
۵۰ گفتار سوم - عوامل جمعیتی
۵۲ گفتار چهارم - عوامل جغرافیایی
۵۳ گفتار پنجم - عوامل فرهنگی
۵۵ گفتار ششم - دکترین
۵۷	فصل سوم - اصل کلی در میزان برخورداری بیگانگان از حقوق خصوصی و مستثنیات آن
۵۷ مبحث اول - اصل کلی در میزان برخورداری بیگانگان از حقوق خصوصی
۶۱ مبحث دوم - مستثنیات برخورداری بیگانگان از حقوق خصوصی
۶۲ گفتار اول - حقوق اختصاص یافته به ایرانیان یا سلب شده از بیگانگان
۶۳ گفتار دوم - حقوق مربوط به احوال شخصیه
۶۵ گفتار سوم - حقوق مخصوصه‌ی ایجاد شده برای صرف جامعه‌ی ایرانی
۶۸	فصل چهارم - قلمرو محدودیت‌های حقوق خصوصی اشخاص بیگانه
۶۸ بخش اول - قلمرو محدودیت‌های حقوق خصوصی اشخاص حقیقی بیگانه
۶۸ مبحث اول - ازدواج اتباع بیگانه
۶۹ گفتار اول - شرایط ماهوی ازدواج اتباع بیگانه
۶۹ گفتار دوم - شرایط شکلی ازدواج اتباع بیگانه
۷۴ مبحث دوم - استملاک
۸۵ مبحث سوم - مالکیت سهام واحدهای تولیدی
۸۶ مبحث چهارم - مالکیت سهام بانک‌ها و مؤسسات بیمه
۸۷ مبحث پنجم - محدودیت‌های اشتغال اتباع بیگانه
۸۸ گفتار اول - شرایط اشتغال مجاز اتباع بیگانه در ایران
۹۰ گفتار دوم - شرایط صدور پروانه‌ی کار بیگانگان
۹۴ گفتار سوم - اشتغال به مشاغل خاص
۹۴ بند اول - امور پزشکی
۹۴ بند دوم - کارگزاری بورس
۹۵ بند سوم - تجارت خارجی
۹۵ بند چهارم - سرمایه‌گذاری
۱۰۰ بخش دوم - قلمرو محدودیت‌های حقوق خصوصی اشخاص حقوقی بیگانه
۱۰۲ مبحث اول - محدودیت‌های ثبتي اشخاص حقوقی بیگانه
۱۰۲ گفتار اول - لزوم ثبت اشخاص حقوقی بیگانه در ایران
۱۰۳ بند اول - ثبت انواع شرکت‌های خارجی

۱۰۷بند دوم - ثبت مؤسسات غیرتجاری.....
۱۰۸گفتار دوم - ضمانت اجرای عدم ثبت اشخاص حقوقی بیگانه در ایران.....
۱۱۰مبحث دوم - معاملات ممنوع.....
۱۱۲مبحث سوم - استملاک.....
۱۱۳مبحث چهارم - سرمایه گذاری.....
۱۱۶نتیجه گیری.....
۱۲۰فهرست منابع و مآخذ.....

علائم و اختصارات

ق.آ.د.م.

ق.ا.

ق.ت.

ق.م.

قانون آیین دادرسی مدنی

قانون اساسی

قانون تجارت

قانون مدنی

مقدمه

۱- تعریف مسئله

امروزه با پیشرفت تکنولوژی خصوصاً در زمینه‌ی حمل و نقل و وسایل ارتباطی، روابط اتباع کشورهای مختلف با یکدیگر بیش از پیش افزایش یافته و افراد به راحتی به سرزمینهای دور و نزدیک رفت و آمد می‌نمایند، به گونه‌ای که زندگی کنونی نوع بشر دیگر وضع ساده‌ی سابق را ندارد.

ورود بیگانگان به یک کشور ممکن است به دلایل مختلفی صورت پذیرد؛ از جمله جهانگردی و اقناع حس کنجکاوی، جستجوی کار، تجارت، تحصیل علم و نیز در برخی موارد، عده‌ای مانند پناهندگان و آوارگان نیز به دلیل شرایط خاص کشور خود و مسایل سیاسی، به اجبار وارد خاک کشور دیگری می‌گردند.

با توجه به مطالب فوق در همین ابتدای بحث به دو نتیجه‌ی کلی می‌توان دست یافت :

الف- امروزه دیگر نمی‌توان تصور کرد که کشوری بتواند در چهار دیواری مرزهای سرزمین خود محدود و بسته باقی بماند و روابط حقوقی خود را به جامعه‌ی خود محدود سازد.^۱

ب- در تعریف بیگانه می‌توان گفت: بیگانه کسی است که تابعیت کشور محل توقف را ندارد؛ اعم از اینکه اساساً تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد یا دارای تابعیتی غیر از تابعیت کشور محل توقف باشد.^۲

اما نکته‌ی اصلی بحث که ما را به تحقیق واداشت، توجه به این امر است که ورود یک بیگانه به یک کشور از همان بدو ورود تا هنگام خروج، موضوعات و مسائلی را مطرح می‌سازد که احساس نیاز به تدوین یک سری مقررات خاصی، گسترده‌تر و فراتر از حقوق داخلی را موجب می‌گردد. زیرا بسیار اتفاق افتاده است که مسائل کوچک در خصوص نحوه‌ی برخورد با یک بیگانه، سبب پیدایش اختلافاتی بزرگ بین دو یا چند کشور شده و بحران و تشنجی

^۱. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، موسسه‌ی انتشارات آگاه، ۱۳۷۶، ص ۱۱.

^۲. همان، ص ۸۱.

را بین آن‌ها فراهم ساخته است. درحالی که وجود موازینی از قبل تعیین شده برای اتباع بیگانه از چنین سوء تفاهماتی جلوگیری می‌کند.

باید دانست تنظیم قواعد حاکم بر روابط اتباع بیگانه از یک سو حق و از سوی دیگر تکلیف قوه‌ی قانونگذاری هر کشوری است. حق است، زیرا کشورها در اداره‌ی سرزمین و اعمال حاکمیت خود از استقلال برخوردارند و تکلیف است، زیرا اصول حقوق بین‌الملل اقتضا دارد که دولت‌ها حداقل حقوقی را برای بیگانگان بشناسند.^۳

البته از آنجا که هیچ کشوری تعهدی برای رعایت این اصول به طور مطلق ندارد؛ در نتیجه دولت‌ها در هنگام تنظیم قواعد و مقررات راجع به بیگانگان، به عبارتی در مقام تعیین حقوق و تکالیف و محرومیت‌ها و معافیت‌های بیگانگان، از آزادی عمل زیادی برخوردارند. زیرا هر دولتی تا آن جا به اصول و قواعد بین‌المللی احترام می‌گذارد که با امنیت، نظم عمومی و مصالح اقتصادی و اجتماعی آن تعارض نداشته باشد.

در هر حال بر اثر جابه‌جا شدن اشیا، اشخاص و حتی افکار و عقاید از کشوری به کشور دیگر مسائل بین‌المللی بی‌شماری مطرح می‌گردد که در این میان تمرکز اصلی بحث بر مورد دوم یعنی؛ ورود افراد بیگانه به خاک یک کشور (ایران) و مسائلی که پیرامون حقوق خصوصی آنان مطرح می‌گردد، می‌باشد.

باید افزود، امروزه همه‌ی دولت‌ها در سرزمین خود، بیگانگان را بهره‌مند از حقوق و تکالیف می‌شناسند، هر چند حقوق آن‌ها را هم‌مطراز با حقوق اتباع خود نمی‌دانند. از این حیث محدودیت‌هایی نسبت به حقوق اتباع بیگانه در هر کشوری وجود دارد که ما در تحقیق حاضر برآنیم تا این محدودیت‌ها را در زمینه‌ی حقوق خصوصی بیگانگان در حقوق ایران مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

۳. سوالات پژوهش

۱. چه عواملی می‌تواند در ایجاد محدودیت‌ها نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان موثر باشد؟

۲. اعمال محدودیت‌ها نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان بیشتر در چه زمینه‌ای است؟

۴. پژوهش‌های علمی انجام شده در ارتباط با پایان نامه:

بطور کلی در ایران در ارتباط با حقوق اتباع بیگانه در کتب بین‌الملل خصوصی بحث شده است، اما اکثر نویسندگان در مبحث وضع بیگانگان بیشتر به حقوقی که اشخاص بیگانه در خارج از قلمرو کشور متبوعه‌ی خود دارا هستند،

^۳. سلجوقی، محمود حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱.

توجه نموده‌اند. به بیان بهتر موضوع بحث این کتب بیشتر معطوف به تمتع بیگانگان از حقوق مدنی و یا نحوه‌ی استیفای آن حقوق (اجرای حقوق مکتسبه و بحث تعارض قوانین) در ایران بوده است و تنها برخی کتب آن هم در ذیل برخی مباحث و بطور پراکنده محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی حقوق بیگانگان ذکر نموده‌اند. در این جا به نمونه‌هایی از مطالب مذکور اشاره می‌گردد:

دکتر نجادعلی الماسی (حقوق بین الملل خصوصی ص ۲۴۴)؛ ایشان در بخش مربوط به مسائل مهم تعارض قوانین در ذیل بحث چگونگی اعمال قواعد حل تعارض راجع به احوال شخصیه چنین بیان می‌دارند: «هرگاه مقررات مربوط به احوال شخصیه‌ی بیگانگان برخلاف نظم عمومی (به مفهوم داخلی یا بین المللی آن) باشد، اتباع بیگانه نمی‌توانند از آن استفاده کنند و دادگاه ایران باید از اجرای چنین قانونی خودداری نماید. زیرا اگرچه قانون ایران اجازه‌ی اجرای قوانین خارجی را داده است اما در ماده‌ی ۹۷۵ قانون مدنی صریحاً بیان گردیده: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه‌ی جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شوند به موقع اجرا بگذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد».

در ماده‌ی ۹۷۴ قانون مدنی مقرر گشته: «مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۱ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد». بنابراین هرگاه اجرای قانون مربوط به احوال شخصیه‌ی بیگانه‌ای برخلاف نظم عمومی داخلی (قواعد آمره) یا بین المللی کشور باشد قضات باید از اجرای آن خودداری کنند و به جای آن قانون ایران را به موقع اجرا گذارند».

دکتر حسین صفایی (مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، ص ۲۲۱): «از ماده‌ی ۹۶۱ قانون مدنی چنین برمی آید که در مورد حقوق خصوصی، بیگانگان جز در موارد استثنایی در ردیف اتباع کشور هستند. این اصل در حقوق تطبیقی به گونه‌ای گسترده مورد قبول است. چنانکه اصل، برابری بیگانگان با اتباع کشور در تمتع از حقوق خصوصی است، در قوانین خصوصی همه‌ی کشورها، با توجه به منافع عمومی محدودیت‌هایی در این باب دیده می‌شود. در قوانین ایران هم محدودیت‌هایی برای بیگانگان در زمینه حقوق خصوصی پیش بینی شده است. در این جا به برخی از آن‌ها که جنبه‌ی مالی دارد اشاره می‌کنیم...».

دکتر بهشید ارفع نیا (حقوق بین الملل خصوصی ص ۲۲۵): «در زمان حاضر معمولاً کشورها جهت جلوگیری از نفوذ بیگانگان در مملکت محدودیت‌ها و شرایطی در مورد تملک اموال غیرمنقول توسط بیگانگان قائل می‌شوند. . . زیرا در غیر این صورت امکان سوء استفاده در این زمینه وجود دارد. . .».

۵. حدود پژوهش :

نظر به اینکه شخص بیگانه نیز فی الواقع بشر است. دولت‌ها در قلمرو خود برای بیگانگان قائل به شخصیت حقوقی بوده و آن‌ها را بهره‌مند از حقوق می‌شناسند. بدین ترتیب چگونگی رفتار دولت‌ها با بیگانگان و تعیین وضعیت حقوقی آن‌ها از سویی از مصادیق حقوق بشر نیز محسوب می‌گردد.

از سوی دیگر به این دلیل که بحث از زندگی افراد در محیط بین‌المللی و قرار گرفتن آن‌ها در سرزمینی غیر کشور متبوع خودشان است. در نتیجه، مسأله‌ی روابط اتباع کشورهای مختلف با یکدیگر و با دولت‌ها مطرح می‌گردد که هر کشوری در برخورد با بیگانگان با توجه به شرایط و مقتضیات داخلی و بین‌المللی خود به وضع و تدوین یک سری قوانین و مقررات راجع به آن‌ها می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت این موضوع در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی کشورها نیز قرار دارد.

در این تحقیق برآنیم تا بحث را از منظر حقوق و تعهدات نظام حقوقی ایران در قبال حقوق خصوصی بیگانگان بررسی نماییم. به طور کلی با توجه به قوانین و مقررات گوناگونی که درباره‌ی وضعیت بیگانگان موجود است درمی‌یابیم، در نظام حقوقی ایران اصل این است که بیگانگان در ایران از کلیه‌ی حقوق مدنی متمتع می‌باشند و حقوق مکتسبه آنان نیز باید رعایت گردد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. بنابراین محدوده‌ی پژوهش تعیین استثنائاتی است که در قوانین مختلف بیان گردیده است (موارد محدودیت بیگانگان)، همچنین بررسی و تحلیل موضوع در حقوق ایران می‌باشد.

۶. فرضیات پژوهش:

با توجه به سوالات تحقیق فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

۱. عوامل مؤثر در ایجاد محدودیت‌ها نسبت به حقوق خصوصی بیگانگان، عبارتند از: الف- امنیت ب- مصلحت ازدیاد جمعیت ج- منافع اقتصادی

۲. با توجه به قوانین و مقررات موجود درباره‌ی بیگانگان بیشترین محدودیت‌های حقوق خصوصی بیگانگان در حقوق ایران، در زمینه‌ی اموال می‌باشد.

۷. اهداف پژوهش:

اگرچه علقه و ارتباطی بین بیگانه‌ای که وارد کشوری می‌گردد و دولتی که در قلمرو حاکمیت آن قرار گرفته وجود ندارد ولی در هر حال باید رابطه خود را با نظام حقوقی کشور پذیرنده تبیین نماید تا دچار بلا تکلیفی نگردد یا حتی از حقوق او ضایع نشود و در نهایت برای ورود به کشور خود را مهیای تطبیق با مقررات آن سازد.

نکته‌ی ظریفی که در این رابطه به نظر می‌رسد این است که نه تنها باید حقوق و تکالیف بیگانگان مشخص گردد، بلکه خصوصاً باید محدوده‌ی این حقوق و مواردی که آنان به لحاظ بیگانه بودن از برخی حقوق محرومند نیز مشخص گردد.

از سوی دیگر بررسی محدودیت‌های حقوق خصوصی بیگانگان فواید علمی و عملی قابل توجه‌ای در زمینه‌ی اصلاح و رشد و تعالی حقوق ایران دارد. از نظر علمی باعث پویایی و عمیق‌تر شدن مطالعات و تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی بین‌الملل خصوصی در نظام حقوقی ایران می‌گردد. زیرا در عصر حاضر با رشد و گسترش روابط افراد در صحنه‌ی بین‌المللی، در زمینه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی، طبیعی است مسائل حقوقی و یا موانع جدیدی در زمینه‌ی روابط بین‌المللی اشخاص مطرح گردد که ممکن است ناشی از نارسایی‌های قوانین گذشته یا فقدان قوانین جدید باشد. همچنین ممکن است در برخی زمینه‌ها وضع برخی محدودیت‌های جدیدتر یا بیشتری در رابطه با بیگانگان لازم باشد.

در نهایت انگیزه‌ی مطالعه در باره‌ی محدودیت‌های حقوق خصوصی بیگانگان در حقوق ایران بیش از هر انگیزه‌ی دیگری ضرورت‌های عملی آن است. زیرا در عمل چه بسا مراجع قانونی کشور یا مؤسسات و شرکت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون با بیگانگان سر و کار دارند و باید حقوق آن‌ها و حدود آن را بشناسند.

بنابراین هدف از این تحقیق، شناسایی و رفع این موانع به منظور دستیابی به ابزارهای قانونی و حقوقی مناسب در تنظیم هرچه بهتر و دقیق‌تر روابط حقوقی با بیگانگان است تا بدین وسیله به جایگاهی که شایسته‌ی تاریخ، تمدن و فرهنگ و موقعیت سیاسی-اقتصادی کشور عزیزمان ایران است دست یابیم.

۸. خلاصه مراحل روش پژوهش:

در این تحقیق با استفاده از مطالعه به روش کتابخانه‌ای سعی می‌شود به جمع‌آوری اطلاعات از منابع معتبر حقوقی در حقوق ایران پرداخته و مطالب جمع‌آوری شده بررسی و تجزیه و تحلیل شود. بنابراین روش تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی است.

فصل اول: کلیات

در این فصل برای شناخت بهتر محدودیت‌های حقوق خصوصی بیگانگان در حقوق ایران که موضوع اصلی بحث می‌باشد، ابتدا به بیان تاریخچه‌ی مختصری از وضعیت حقوقی بیگانگان و تحولاتی که در زمینه‌ی حقوق و تکالیف آن‌ها در طول تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین رخ داده، خواهیم پرداخت. پس از آشنایی با تاریخچه‌ی وضع بیگانگان در ایران و قبل از ورود به مباحث دیگر، در راستای شناخت بهتر موضوع و ماهیت و جایگاه تحقیق، لازم است مفهوم بیگانه و انواع آن و همچنین برخی مفاهیم دیگر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

مبحث اول – تاریخچه‌ی وضع بیگانگان در ایران

همانطور که می‌دانیم، امروزه میلیون‌ها انسان به دلایل گوناگون در خارج از مرزهای کشور خود به سر می‌برند. در گذشته‌های دور نیز انسان‌ها برای رهایی از شرایط سخت زندگی و یا رسیدن به شرایط بهتر، معمولاً به صورت گروهی، از سرزمین خود به سرزمین‌های دیگر مهاجرت می‌کردند.

بنابراین مهاجرت‌های بین‌المللی، مفهوم بیگانه و محدودیت‌های حقوقی بیگانگان، از قدیم‌الایام وجود داشته است؛ با این تفاوت که امروزه با پیشرفت وسایل ارتباطی و حمل و نقل، موارد فوق‌الذکر در عصر حاضر به شکل گسترده‌تری نسبت گذشته به دوران مطرح بوده و از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

در خصوص وضعیت بیگانگان در طول تاریخ، باید دانست، در نخستین مراحل تاریخ انسان که نه از ملت‌های مختلف خبری بود و نه از دولت‌ها، انسان‌ها بصورت گروه‌های کلان و قبایل کوچک زندگی می‌کردند، و اشخاص از قبایل و گروه‌های دیگر ولو در یک سرزمین، دشمن یکدیگر و بیگانه محسوب می‌شدند. این سرآغاز شکل‌گیری مفهوم «بیگانه» در حیات بشری بود.^۴

^۴ . نکینا. م. و دیگران؛ تاریخ مختصر جهان، ترجمه‌ی محمد تقی خوارزمی، ۱۳۵۶، چاپ اول، تهران، دنیا، ج ۱، ص ۱۱.

در آن زمان، بیگانگان از هیچ گونه حقوقی برخوردار نبودند، زیرا شرایط زندگی اجتماعی در آن عهد چنان ابتدایی و دشوار بوده که هر جامعه به زحمت می‌توانسته وسایل زیست اعضای خود را فراهم سازد، تا چه رسد به تحمل بیگانه و شناخت حقوق برای او.

اما رفته رفته با رشد زندگی اجتماعی و بهبود شرایط، امکان داد و ستد میان مردم سرزمین‌های مختلف به وجود آمد. با گذشت زمان، هنگامی که انسان‌ها به اهمیت داد و ستد اقتصادی در پیشرفت جامعه خود پی بردند، درصدد برآمدند تا در جهت توسعه‌ی روابط اقتصادی خود، حق و حقوق بیگانگان، خصوصاً بیگانگانی که طرف این داد و ستدها بودند را به رسمیت شناخته و محترم بشمارند.

عامل دیگری که زمینه‌ی شناخت حقوق بیگانگان را فراهم نمود، بسط و اعتلای داد و ستدهای فرهنگی بود که بر اثر رفت و آمد های فردی یا گروهی تجار، خصوصاً مهاجرت های جمعی صورت می‌گرفت، چرا که اغلب با حفظ هویت ملی و دستاوردهای فرهنگی خود از سرزمین اصلی به سرزمین‌های دیگر رخ می‌داد. بدین ترتیب روابط دوستانه‌ای میان ملت های گوناگون شکل گرفت و این داد و ستدهای فرهنگی زمینه را برای شناخت حقوق بیگانگان فراهم نمود.

سرانجام این عوامل و مسائل ناشی از آنها سبب آگاهی روز افزون بشر و بالتبع احساس نیاز به ایجاد نظم در جامعه - ی بین‌المللی و فراهم نمودن شرایط لازم برای مراعات آن گشت. بدین ترتیب دولت‌ها بدون آن که در برابر یکدیگر تعهدی خاص بر عهده داشته باشند، این الزام را احساس کردند که باید هر یک در قلمرو خود به تعیین و تنظیم قاعده های حاکم بر روابط با بیگانگان و همسو با نظام حقوقی خود، مبادرت ورزند.^۵

همچنین باید افزود، با تحولاتی که به مرور زمان در فهم بشری، درباره‌ی مفهوم جامعه و حکومت رخ داده و پیشرفت‌هایی که در زندگی انسان‌ها حاصل گردیده است، طرز تلقی جوامع از تعریف بیگانه و چگونگی رفتار حکومت‌ها با بیگانگان رفته رفته دچار تغییرات مثبتی شده و با گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است.^۶

بنابراین طرز رفتار با بیگانگان فراز و نشیب های بسیاری را در هر سرزمین طی کرده است. در ایران نیز چنین تحولاتی در زمینه‌ی حقوق بیگانگان و طرز رفتار با آنان رخ داده و از چند دوره ی متمایز گذشته تا به دوران کنونی رسیده است که ذیلاً به بیان تاریخچه‌ی مختصری از آن می‌پردازیم.

به روایت تاریخ شناسان، در دوران باستان و قبل از ورود اسلام به ایران، پادشاهان ایران با بیگانگان و پیروان سایر مذاهب حسن سلوک داشته و خوش رفتاری می‌کردند.

^۵ . سلجوقی، محمود، پیشین، ص ۴۶ و ۴۸.

^۶ . دبیری، محمد رضا و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰.

نخستین دوره از این ادوار، که درباره‌ی آن می‌توان برخی آگاهی‌های کم و بیش قابل‌اعتماد یافت، دوره‌ی هخامنشیان است که طی آن ایرانیان به تشکیل دولتی فراگیر در سرزمین ایران و خارج از مرزهای آن توفیق می‌یابند. وضع ملل مغلوب در عصر هخامنشیان نشان می‌دهد در آن زمان، رفتار پادشاهان ایرانی و ایرانیان با بیگانگان، بسیار خوب بوده است.

یکی از مهمترین اقداماتی که در این عصر در زمینه‌ی حقوق بیگانگان صورت گرفت، اعلامیه‌ای بود که توسط کورش درباره‌ی رفتار با اقوام سرزمین‌های مغلوب صادر شد و متن این فرمان که از آن به عنوان نخستین اعلامیه‌ی حقوق بشر در تاریخ یاد می‌کنند، امروزه یکی از مهمترین سندهای تاریخی افتخارآفرین برای ایران و ایرانیان است.^۷

همچنین به لحاظ حقوقی در دوره‌ی ساسانی به گواهی معتبر تاریخی، شاهد اعمال شرط رفتار متقابل توسط پادشاهان ایران و روم هستیم که آن را نسبت به بیگانگان و پیروان مذاهب غیررسمی سرزمین خود اجرا می‌نمودند.^۸ بنابراین ایرانیان در آن دوران، رفتاری همراه با مدارا با ملت‌های مغلوب داشته و آیین سنتی و مذهبی و حقوق بیگانگان را محترم می‌شمردند. این‌گونه رفتار با ملت‌های مغلوب از سوی ایرانیان در آن دوران می‌تواند بیانگر چگونگی وضعیت بیگانگان در داخل سرزمین‌های اصلی ایران تلقی گردد.^۹

با ورود اسلام به ایران بیگانه در جامعه‌ی ایرانی مفهوم دیگری پیدا کرد، چرا که اسلام فردی را که مسلمان نباشد، بیگانه یا خارجی تلقی می‌کرد و در مقابل مسلمانان را از هر نژاد، زبان، ملیت و در هر سرزمینی، به عنوان امت واحد شناخته و تحت لوای حکومت اسلامی می‌دانست. بنابراین معیار شناسایی بیگانگان، ایمان آن‌ها به خدا و پیامبرش بود.^{۱۰}

دلیل این رفتار محتاطانه، خطرات بسیاری بود که اسلام و مسلمین را تهدید می‌کرد و باعث وضع محدودیت‌های زیادی نسبت به حقوق بیگانگان در ایران می‌شد. از جمله شرایط و محدودیت‌های بیگانگان این بود که تحت شرایطی ویژه، مجاز به ورود و یا اقامت در کشورهای اسلامی بودند و برای عبور از قلمرو مسلمین، می‌بایست عقد

^۷ . عرب بدوی، ربابه، حقوق بشر در ایران باستان، تهران نشر علم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳ .

^۸ . قائمی، محمد حسن، بیگانه و احکام آن در حقوق ایران، ماهنامه‌ی دادرسی، شماره ۵۳، سال نهم آذر و دی ۱۳۸۴، ص ۴۳.

^۹ . سلجوقی، محمود پیشین، ص ۶۵ و ۶۶.

^{۱۰} . ضیایی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۹۰. (امروزه نیز در حقوق اسلامی نیز همانند سایر نظام‌های حقوقی، نهاد «تابعیت» به عنوان معیار و ملاک شکلی تمایز انسان‌های ساکن در کشورهای گوناگون مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا دیگر نمی‌توان از واژه‌ی بیگانه آن مفهوم سنتی را برداشت نمود، زیرا چه بسا ممکن است عملاً یک فرد غیر مسلمان تبعه‌ی یک کشور اسلامی، حقوقی بیش از یک مسلمان تبعه‌ی کشور غیراسلامی داشته باشد و یا حکومت اسلامی یک کشور بنا به مصالح و ضرورت‌هایی، ورود مسلمانان بیگانه را به آن کشور محدود و یا منوط به شرایطی کند. با این حال هر چند این تقسیم‌بندی امروزه در حقوق کشورهای اسلامی جایگاه چندانی ندارد، اما عملاً تأثیرگذار می‌باشد، به عنوان مثال در بحث ازدواج یا استملاک اموال غیرمنقول و یا استخدام. (ر.ک. دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین‌الملل اسلامی، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه و انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰ به بعد)

«زنهار» یا «امان» با حکومت اسلامی منعقد می‌نمودند که در واقع به اصطلاح امروزی از سویی حسب مورد، جواز عبور یا اقامت موقت در کشور اسلامی بود و از سوی دیگر، نوعی درخواست پذیرش پناهندگی بود، زیرا مستأمن بر اساس این قرارداد مورد حمایت حکومت اسلامی قرار می‌گرفت.^{۱۱} همچنین بیگانگان برای اقامت دائم و فعالیت اقتصادی در سرزمین‌های اسلامی، می‌بایست عقد «ذمه» و یا عقد «جزیه»^{۱۲} با حکومت اسلامی، منعقد می‌کردند.

این وضعیت حقوقی بیگانگان بدین منوال ادامه داشت تا این که با وقوع انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی فصل جدیدی در تاریخچه‌ی وضع حقوقی بیگانگان در ایران آغاز گشت. در این دوره هر چند که زمینه برای پذیرفتن نظام قانونگذاری فراهم شد، اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد، خلاف آن را ثابت نمود. همین امر زمینه را برای وقوع «رژیم کاپیتولاسیون» فراهم نمود.

«کاپیتولاسیون» در اصطلاح؛ عبارت از معاهداتی است که به موجب آن دولتی در کشور خارجی از برخی حقوق حاکمیت که اهم آن حق قضاوت و اجرای مجازات است، بهره‌مند می‌شود؛ به طوری که اتباع آن دولت از پاره‌ای حقوق و مزایا به طور اختصاصی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب در این دوره که می‌توان آن را دوره «کاپیتولاسیون» نامید، اتباع خارجه از بیشترین حقوق و مزایا برخوردار بودند.^{۱۳}

در واقع رژیم کاپیتولاسیون به موجب انعقاد معاهده‌ی ترکمن چای با روسیه، در سال ۱۲۰۷ هجری شمسی در ایران برقرار شد. این معاهده به مدت یک قرن، سیاست خارجی و استقلال ایران را از هر حیث تحت نفوذ بیگانگان قرارداد. چنان که بعد از آن هم هر کشوری با ایران معاهده منعقد می‌کردند، بر اساس شرط دول کامله الوداد پایه و اساس آن را معاهده‌ی ترکمن چای قرار می‌داد تا اتباعشان در سرزمین ایران صاحب امتیازات خاص گردند.^{۱۴}

بدین ترتیب معاهدات کاپیتولاسیون پشت سر هم منعقد گردیدند و یک وضع غیر عادی که منافی با استقلال و شئون ملی ما در این مملکت به وجود آوردند. زیرا بیگانگان نه تنها از لحاظ بیگانه بودن هیچ محرومیت یا محدودیتی نداشتند، بلکه امتیازات و حقوقی را نسبت به اتباع داخل بدست آورده بودند که از هر حیث مخالف اصول بین الملل و ناقض استقلال سیاسی و قضایی ما بود.

^{۱۱} سلجوقی، محمود، پیشین، ص ۶۹.

^{۱۲} عقد «ذمه» همانطور که از نامش پیداست منحصر به کفار ذمی (اهل کتاب) بود و می‌توانست شامل یک نفر یا گروهی از اهالی یک محل یا همه‌ی ساکنان یک شهر و به صورت مکتوب یا غیر مکتوب، به صورت واقعی یا فرضی باشد و عقد «جزیه» به دو صورت بود: عقد جزیه سرانه و عقد جزیه ارضی یا خراج. به موجب این عقود حکومت اسلامی به غیرمسلمانانی که در سرزمین مسلمین سکونت داشتند، اجازه برخورداری از برخی حقوق را می‌داد، اما در عین حال محدودیت‌هایی نیز نسبت به آنها اعمال می‌نمود، از جمله این که آنها به دلیل بهره‌مندی از امنیت جامعه‌ی اسلامی موظف به پرداخت جزیه بودند، یا در صورت کشت و کار و استفاده از زمین موظف به پرداخت جزیه ارضی یا خراج بودند. (رک. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، پیشین، ص ۹۲)

^{۱۳} مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.

^{۱۴} نصیری، محمد، پیشین، ص ۹۲.

دوران رژیم کاپیتولاسیون دوران سیاهی در تاریخ ایران محسوب می‌شود که احساسات ایرانیان وطن دوست را جریحه دار می‌ساخت. سرانجام آرزوی ملت ایران که از بین رفتن این اوضاع و لغو رژیم کاپیتولاسیون بود، با امضای معاهده‌ی ۴ دسامبر ۱۹۲۱ میلادی (۲۳ قوس ۱۳۰۰ شمسی) منعقد بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی متزلزل می‌شود اما الغای کامل آن با اعلام رسمی الغای رژیم کاپیتولاسیون به وسیله‌ی دولت وقت (مرحوم مخبر السلطنه‌ی هدایت)، در مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ هجری شمسی انجام شد.^{۱۵}

بعد از الغا کاپیتولاسیون در ۱۳۰۷ هجری شمسی دولتمردان ایرانی دریافتند که تعیین حقوق مربوط به اتباع بیگانه باید براساس قانون صورت گیرد و هر گونه معاهده مابین ایران و دولت‌های دیگر نیز، تنها زمانی که به تصویب مجلس قانونگذاری برسد، معتبر خواهد بود. بدین ترتیب به تدریج مقرراتی راجع به حقوق و تکالیف اتباع خارجه از تصویب مجلس گذشت و نه تنها بیگانگان، دیگر نسبت به اتباع داخله امتیازی نداشتند، بلکه اتباع کشورهای مختلف نیز نسبت به بکدیگر هیچ گونه امتیاز و برتری نداشتند.

با این وجود، پس از الغای کاپیتولاسیون و در دوران رژیم شاهنشاهی، همچنان مواردی وجود داشت که به مناسبت-هایی به دسته‌ای از اتباع بیگانه از جمله مستشاران نظامی امریکا در ایران و کارکنان دبیرخانه‌ی همکاری‌های عمران منطقه‌ای، مصونیت‌ها و امتیازات خاص داده شده بود، بدون این که عنوان نمایندگی سیاسی یا کنسولی کشور متبوع خود را داشته باشند.^{۱۶}

پس از آن با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حقوق بیگانگان وارد مرحله‌ی تازه‌ای می‌شود؛ چرا که این انقلاب تحولات عظیمی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی ایران ایجاد نمود و مسائل کاملاً تازه‌ای را مطرح ساخت که با ساخته‌های موجود در دنیا در بسیاری از موارد در تضاد است.

یکی از این ابعاد، بحث حقوق بیگانگان است که پس از انقلاب همانند دوران ورود اسلام به ایران رفتار با بیگانگان دستخوش تغییرات مهمی گردید و اهم این تغییرات نیز در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و مالکیت بیگانگان دیده می‌شود که در تدوین و تصویب قانون اساسی و سایر مقررات راجع به آن‌ها، به نحو سختگیرانه و محتاطانه‌ای تصمیم‌گیری شده است. به عنوان مثال بسیاری از قوانینی که قبلاً تصویب شده بود و اجازه مشارکت بیگانگان را در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌داد بعد از وقوع انقلاب نسخ گردید.

به طور کلی می‌توان گفت پس از وقوع انقلاب، وضع و تدوین مقررات راجع به بیگانگان بر اساس معیارهای اسلامی مندرج در اصول قانون اساسی صورت گرفت. در این میان دو معیار مهم و مؤثری که می‌توان در تنظیم مقررات راجع

^{۱۵}. هم. ان، ص ۱۰۰ - ۱۰۲.

^{۱۶}. مدنی، سید جلال‌الدین، پیشین، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

به اتباع بیگانه و حضور آنان در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بسیار دانست عبارتند از آرمان‌های جلوگیری از سلطه بیگانگان و حفظ وحدت امت اسلامی.

لازم به ذکر است که با توجه به اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ قانون اساسی به نظر می‌رسد در معیار نفی سلطه بیگانگان، کفار و مستکبران غربی بیشتر مدنظر می‌باشد. به همین دلیل و با توجه به سوابق تلخ تاریخی، در ایران امروز از یک سو حساسیت ویژه‌ای نسبت به اتباع بیگانه غربی و غیرمسلمان به وجود آمده که سبب کاهش حضور این دسته از بیگانگان شده است؛ از سوی دیگر با توجه به معیار حفظ وحدت اسلامی و حمایت مسلمین از یکدیگر که از سیاست‌های اساسی دولت ایران است، شاهد حضور خیل عظیمی از اتباع بیگانه مسلمان از کشورهای همسایه هستیم که به دلیل جنگ و ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی وارد خاک ایران شده و امروزه در کنار اقشار مختلف جامعه‌ی ایرانی به کار و زندگی مشغولند.

عامل دیگری که پس از پیروزی انقلاب در مسأله‌ی حضور بیگانگان در ایران مؤثر بود، مسأله جنگ است. همچنین تحریم اقتصادی آمریکا و دیگر کشورهای غربی که همزمان با آن صورت گرفت، مشکلات مردم ایران را تشدید کرد و باعث ایجاد ناامنی‌های سیاسی و اقتصادی در ایران شد. به همین دلیل سرمایه‌گذاران خارجی به فروش سرمایه‌های منقول و غیر منقول خود پرداختند و مؤسسات تولیدی را به تعطیلی کشاندند و شمار زیادی از این بیگانگان که از اتباع دولتهای متمدول غربی و اروپایی بودند از کشور ایران مهاجرت کردند.

با توجه به انبوه مشکلاتی که در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمد، انتظار رشد و شکوفایی در ابعاد مختلف بین‌المللی منصفانه به نظر نمی‌رسد. همچنین پس از جنگ، سال‌ها کشور ما در نوعی انزوای سیاسی و اقتصادی به سر می‌برد و این انزوا به قلمرو حقوق نیز تسری یافته و موانع و مشکلات زیادی را بر سر راه گسترش روابط بین‌المللی به وجود آورده بود.^{۱۷}

امروز با وجود این که سال‌هاست از وقوع انقلاب و جنگ می‌گذرد، هنوز هم کشور ما در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارای مشکلات متعددی می‌باشد. در هر حال ایران کنونی، با وجود همه‌ی تحریم‌ها و مشکلاتی که به لحاظ بین‌المللی دارد و با وجود تحمل خسارتهای هنگفت ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی، در تمام زمینه‌ها قدم در راه بازسازی گذارده است و با جهت‌گیری‌ها و سیاستهای کلی که در برهه‌های مختلف زمان در زمینه‌ی روابط با بیگانگان، مورد توجه و اهتمام قرارگرفت و در دهه‌های بعد با رویکردها و برنامه‌های جدید و جدیت بیشتر دنبال شد، آثار مطلوب و انکارناپذیری نسبت به حقوق بیگانگان در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برجای نهاده است.

^{۱۷}. اشمیتوف، کلاوم، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۸، ص